



دیدار

ماهنامه فرهنگی دانشجویی دیدار



شماره مجوز: ۲۵۹/کن ش

سال ۱۳، شماره ۱۸۸، بهمن ۱۴۰۴

مجمع یادواره شهدای دانشگاه شیراز

شَهْرُ
الْحَجَّةِ
الْمُحَرَّمِ
الْحَرَامِ

شناسنامه

ماهنامه فرهنگی دانشجویی دیدار

سال سیزدهم ، شماره ۱۸۸ ، بهمن‌ماه ۱۴۰۴

شماره مجوز: ۲۵۹/ک ن ش

صاحب امتیاز: مجمع یادواره شهدا دانشجویان دانشگاه شیراز

سرمدبیر: ریحانه عنبری

مدیر مسئول: ملیکا نعمت‌الهی

ویراستار: ملیکا نعمت‌الهی

طراح جلد و صفحه‌آرا: خانه طراحان دانشجویی میعاد (علیوس بزغ)



فهرست مطالب

۰۶	التهاب شبها؛ خاطره‌ای از دی ۱۴۰۴
۰۸	خلیج همیشه فارس
۱۰	فتح الفتوح
۱۳	اثبات حقانیت
۱۴	دنیای خراسان
۱۵	بیگانه
۱۶	پیامبر مهربانی‌ها
۱۷	ارتباط با ما

رسم دیدار با خانواده شهدا مراسمی است که از سال ۱۳۷۹ توسط ۶_۵ نفر از دانشجویان دانشگاه شیراز کلید خورد و به برکت خون شهدا تا به امروز ادامه داشته است. دانشجویان زیادی مشتاقانه از این مراسم باصفا و سرشار از صمیمیت و برکت، استقبال می‌کنند. در واقع دیدار تبدیل شد به فرهنگی که یاد و خاطره‌ی شهدا، ایثار و از خودگذشتگی، خدمت به جامعه و قدردانی را در نسل دانشجویان دانشگاه شیراز زنده نگاه داشته است.

در همین راستا فضایی دانشجویی ایجاد شد؛ برای تفکر و اندیشه، جریان یافتن دغدغه‌ی فرهنگی در افکار و فرصتی برای دست به قلم شدن و مکتوب کردن.

انسان آمیزه‌ای از عقل و احساس است. با ابزار تفکر پیش می‌رود و به کمال عقلانی می‌رسد. تفکر، زیربنای حرکت تکاملی انسان در مسیر دین و بندگی خداوند تلقی می‌شود. خداوند به ارزش قلم و رسالت والای آن در قرآن کریم قسم یاد کرده و ارزش قلم نه تنها در این است که اظهار قلبی و آگاهی فردی را ماندگارتر می‌کند؛ بلکه دست بردن به قلم خود به تنهایی انسان را وادار به کسب آگاهی می‌کند و از پرتگاه بی‌تفاوتی نجات می‌دهد و حیطه‌ی اثر تفکر و اندیشه را چنان گسترده می‌کند که گاه توانسته، ملتی را نجات دهد و جامعه‌ای را زنده کند.

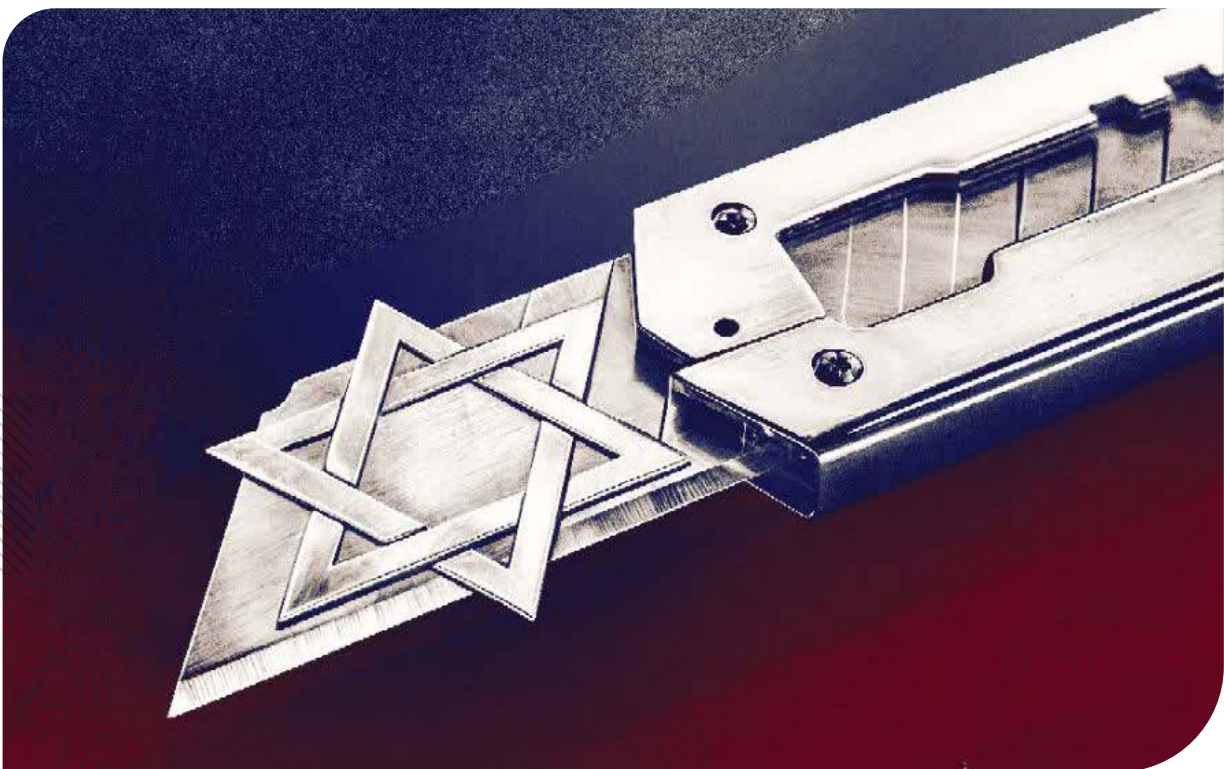
تلاش ما در «دیدار» بر این است که دانشجو، قلم تفکر و دغدغه‌ی خود را به تحریر در آورد. همچنین در هر شماره تلاش می‌شود، گوشه‌ای از رشادت‌ها، خصوصیات، مرام، رفتار و سیره‌ای از زندگی شهدا مکتوب گردد.

«وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ
وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا.»

التهاب شب‌ها:

خاطره‌ای از دی ۱۴۰۴

حسنا حیدری، دکتری بیماری‌شناسی گیاهی



ساعت پنج‌ونیم صبح، تهران بودم. هوا به قدری سرد بود که اگر شوهرِ خواهرم چند دقیقه دیرتر می‌رسید، دور میدان یخ می‌زدم. به خانه‌ی خواهرم که رسیدیم، کمی استراحت کردم. وسایل را جمع کردیم و آماده‌ی حرکت به سمت کرمانشاه شدیم. تمام راه، زهرا بی‌قراری کرد. آخر سر هم، همه‌مان را تسلیم خودش کرد و رفت بغل راننده و راحت خوابید. نزدیک صحنه بودیم که عاطفه زنگ زد:

_ خاله هرجا هستید؛ سعی کنید قبل از غروب، خودتان را برسانید، شب ممکن است شلوغ شود. شکر خدا حدود ساعت شش عصر به کرمانشاه

گفتند دانشگاه یک هفته تعطیل می‌شود و خوابگاه تخلیه؛ اوضاع شهر خیلی خوب نبود. فشار روانی از همه جهت وارد می‌شد. شرایط سخت شده بود. هر شب از شدت فشار عصبی تا مرز گریه می‌رفتم. مادرم که زنگ زد و اظهار نگرانی کرد، فهمیدم تلاش برای ماندن بیهوده است، زود بلیط گرفتم تا قبل از طلوع آفتاب تهران باشم. تمام بغض‌هایم را بار کوله‌ام کردم. در اتوبوس نشستم و قرآن گوش‌ام را باز کردم، می‌خواندم تا آرام شوم؛ آخر بغضم ترکید. قرآن می‌خواندم و گریه می‌کردم، دعا می‌کردم خدا خودش به مردم کمک کند....

بود. یاد آیه‌ای افتادم که دم آمدن، در خوابگاه قرآن را باز کردم و خواندم:

«آیا آنان در زمین سیر نکردند، تا دل‌هایی داشته باشند که با آن حقیقت را درک کنند؟ یا گوش‌هایی که با آن (ندای حق را) بشنوند؟ چرا که چشم‌های ظاهر نابینا نمی‌شوند، بلکه دل‌هایی که در سینه‌هاست کور می‌شوند.*»

در همین حین دو ماشین آمدند و جلوی در خانه پارک کردند. نزدیک ظهر بود. از سر مزارش برگشته بودند؛ سیاه‌پوش، در سکوت و غم. خیلی برایم عجیب بود. مراسم عزای‌گردها معمولاً خیلی شلوغ است. آنجا اما؛ حتی در خانه هم باز نبود. غربت موج می‌زد... .

پدرش را شناختم، قریب به ده‌بار در خبرها و کلیپ‌ها دیده بودمش. نگاهم به نگاهش افتاد، جگرم آتش گرفت. خواهرم گفت:

– نگاه نکن! ممکن است نگاهمان سنگین باشد و ناراحت شوند.

من ماتِ مادر و مادر بزرگش بودم؛ ظاهرشان برای یک کرد عزیز از دست داده، خیلی ساکت و غریب بود. اصلاً جنس عزایشان فرق می‌کرد. نه خودشان تجملاتی بودند، نه خانه‌شان نه ماشینشان، همان پراید تاکسی بود، با ردگلوله‌های رویش... .

*حج، ۴۶

رسیدیم. همه خسته بودیم، شام را خوردیم. شوهر خواهرم رفت بخوابد. زهرا بدجور خسته‌اش کرده بود.

حدود ساعت هفت و بیست دقیقه‌ی شب صدای فریاد و شعار شروع شد. من و خواهرم به هم نگاه می‌کردیم و به مادر. چیزی نگذشت که تیراندازی شروع شد. صدا خیلی نزدیک بود، روی خیابان جلویی بودند. پیدا بود صدای جمعیت جوان است؛ خیلی جوان.

صدای یک مرد میانسال و یک دختر یا زن جوانی شنیده می‌شد، انگار لیدر بودند. با صدای بلند شعار می‌دادند. صدای تیراندازی قطع نمی‌شد؛ گمانم این بود که دارند برای تخلیه‌ی هیجان، رگباری تیر می‌زنند. مدام زیر لب می‌گفتم؛ خدا به خیر کند.

صبح، خبرها چیز دیگری می‌گفتند. تلویزیون را روشن کردم، شبکه‌ی خبر، تصویر پدری را نشان می‌داد که می‌گفت:

– شب بود، پسر کوچکم تب کرده بود، با (ملینا) رفتیم برایش دارو بخریم، نگاه کنید! این‌ها خون دخترم است که روی دستم ریخته... .

به نظرم لهجه‌ی کردی داشت. گفتم:

– بنده‌ی خدا! خدا صبرش بدهد.

به هر حال هم‌زبان بود و حس همدردی بیشتر... . یک هفته‌ای گذشت، سروصداها خوابیده بود. با خواهرم رفتیم تا خرید کنیم؛ چند روزی بود که هیچ بانک و عابریانکی کار نمی‌کرد. حالا که اوضاع بهتر شده بود، شهر هم شلوغ‌تر شده بود. سر چهارراه ایستادیم تا به عاطفه زنگ بزنم، تلفنم که تمام شد خواهرم گفت:

– توروخدا... نگاه کن... ملیناست، اینجا خانه‌شان است. سرم را که چرخاندم بزرگی را دیدم که عکس ملینا رویش چاپ شده بود. نمی‌توانستم چشمانم را از چهره‌ی زیبا و معصومش بردارم. با خودم می‌گفتم چطور دلشان آمد؟ فقط یک بچه



دوران باستان

خلیج فارس از دوران باستان، محل زندگی تمدن‌های بزرگ نظیر سومر، اکد، بابل و هخامنشیان بوده است. این منطقه به عنوان یک راه تجاری مهم، بین شرق و غرب شناخته می‌شد و تجارت دریایی در آن رونق داشت. پارت‌ها نیز دو مسیر تجاری مهم را در دست داشته‌اند؛ یکی از این دو مسیر، فرات و از آسیای صغیر و سوریه و بین‌النهرین شمالی به سمت خلیج فارس گسترده بوده است.

داریوش، پادشاه هخامنشیان، دستور داده که برای گسترش راه‌های تجاری، کانال سوئز ایجاد شود تا کشتی‌های تجاری بتوانند از دریای پارس به مصر و مدیترانه بروند. همچنین خلیج فارس در دوران‌های دیگر، مانند اشکانیان و ساسانیان نیز دارای اهمیت بوده است.

خلیج فارس به دلیل موقعیت‌های استراتژیک و همچنین اقتصادی برای کشورهای اطرافش مورد اهمیت واقع شده است. دلایل این اهمیت عبارتند از:

- ۱. منابع غنی نفت و گاز: خلیج فارس به عنوان یکی از بزرگ‌ترین منابع نفت و گاز جهان شناخته شده و این منابع باعث شده که ایران دارای میدان نفتی بزرگی

خلیج فارس، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و تاریخی‌ترین نواحی آبی جهان، دارای تاریخچه‌ای غنی و پر از رویدادهای مهم است. این دریا یکی از مهم‌ترین و استراتژیک‌ترین آب‌های جهان شناخته می‌شود و در جنوب غربی آسیا واقع شده است. کشورهای مهمی همچون ایران، عربستان سعودی، کویت، بحرین، قطر، امارات متحده عربی و عراق در این منطقه قرار دارند. این منطقه به دلیل منابع غنی نفت و گاز، زیبایی‌های طبیعی، تاریخچه باستانی و تنوع فرهنگی، اهمیت ویژه‌ای دارد.

تاریخچه‌ی خلیج فارس

قدمت خلیج فارس به ادوار باستان برمی‌گردد و تخمین‌های موجود نشان می‌دهد که این خلیج، حدود شش هزار سال پیش از میلاد مسیح شکل گرفته است.

نشانه‌هایی از وجود تمدن‌های باستانی در اطراف این خلیج، از جمله تمدن‌های بین‌النهرین و تمدن‌های هریتی، نشان می‌دهند که منطقه خلیج فارس تاریخی غنی و طولانی مدت دارد. بسیاری از پادشاهان از زمان‌های کهن، به موقعیت اقتصادی آن نظر داشته‌اند که از آن جمله؛ حمایت پادشاهان هخامنشی و پارتی از گسترش بازرگانی در این منطقه بوده است.



مانند نفت پاریس جنوبی باشد که با قطر مشترک است.

نه تنها تأثیرات عمیقی بر کشورهای منطقه داشته‌اند، بلکه به شدت بر روندهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جغرافیای خلیج فارس تأثیر گذاشته‌اند.

در چند سال اخیر، اختلافاتی بر سر جزایر واقع در خلیج فارس؛ مانند تنب و ابوموسی بین ایران و امارات متحده عربی ایجاد شده که این موارد نشان‌دهنده‌ی اهمیت این مناطق هستند. با این اوصاف می‌توان گفت که خلیج فارس قدمت چندین ساله و سرشار از منابع طبیعی دارد که هم برای ایران و هم برای عربستان بسیار مهم است. بنابراین، این دو کشور برای تأمین منافعشان، باید برای حفظ خلیج فارس تلاش کنند. درنهایت اما؛ خلیج فارس، همیشه «خلیج فارس» خواهد ماند.

• ۲. تجارت و حمل‌ونقل دریایی:

خلیج فارس مسیر تجاری مهمی برای کشورهای آسیایی، اروپایی و آفریقایی فراهم می‌سازد. بنادر کلیدی و مهمی مانند بندرعباس در این مکان ایجاد شده‌اند.

• ۳. امنیت و جغرافیا سیاسی:

خلیج فارس به عنوان مرز بین ایران و کشورهای عربی شناخته می‌شود که هر دو کشور بر این آبراه کنترل دارند. همچنین به دلیل موقعیت جغرافیایی و منابع غنی خود، کانون درگیری‌ها و جنگ‌های مختلفی بوده است. این جنگ‌ها و درگیری‌ها،

فتح الفتوح

ملیکا نعمت‌الهی، کارشناسی زبان و ادبیات فارسی

سخن شهید متوسلیان، چون عقابی شبانگهان بر سرشان فرو افتند و کار ظالمان را تمام کنند؛ به راستی که وعده‌ی خدا صادق است. «وَ يَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَظِيمًا»

«هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ ۗ وَاللَّهُ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا»

تاریخ ثابت کرده جریان حق همیشه بر پیمان‌های خود پایبند بوده؛ اما از آن جایی که دشمن هرگز بر عهدش متعهد نبوده؛ امت اسلام در برابر این بدقولی و بدعملی، خودش را از سلاح ایمان تا شمشیر و سچیل‌ها و دوربردها مجهز کرده است؛ چیزی که در رخدادهای امروز نیز شاهدش هستیم

«إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ ۖ فَمَنْ نَكَتَ فَإِنَّمَا يَنْكُتُ عَلَىٰ نَفْسِهِ ۗ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهُ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا»
خواستند با محاصره‌ی اقتصادی زمین‌مان بزنند، نتوانستند؛

خواستند با برهم زدن اتحاد چیره شوند، نتوانستند
خواستند با موشک نابود کنند، نتوانستند؛

خواستند با به شهادت رساندن عزیزانمان کمرمان را خم کنند؛ نتوانستند... .

و به حقیقت که دشمنان، آرزوی چیرگی بر امت

در دورانی که جدال حق و باطل در عیان‌ترین شکل خود ظاهر شده؛ اهمیت دقت بر تدبیر و ژرف‌نگری در کلام‌الله که همسو با ذات بشر است، برای همگان خصوصاً جویندگان راه حقیقت، امری ضروری و اثرگذار است.

خداوند متعال در قرآن کریم، اطمینان‌بخشی، روشنی و پیروزی جریان حق را وعده داده؛ نکته‌ای که در سوره‌ی مبارک «فتح» نیز قابل توجه است.

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا».

در این سوره، با تأیید عزم و اراده‌ی استوار در دل‌های مؤمنان؛ پیروزی بر دشمنان را در قالب واقعه‌ای که بر صفوت آدمیان؛ محمد مصطفی (ص)، گذشته است به‌عنوان مثالی مهم ذکر می‌شود؛ زیرا این وعده‌ای است که تا ابدالدهر بر عالم هستی جاری خواهد بود.

«لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيَكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا»

امروز سایه‌ی تاریک و منحوس صهونیست‌های اسرائیلی که با طمع سیری‌ناپذیرشان جهان را به آشوب کشانده‌اند، محسوس است؛ اما سپاهیان زمینی که دل‌هایشان آغشته به عطر آسمانی است؛ آماده‌اند تا به واسطه‌ی جهاد، مقاومت و قلب‌های زمزمه‌کننده به «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»؛ با شمشیری از وحدت، ایمان و سپر ربانی به مقابله‌ی دشمن گسیل شوند؛ به قول



حق را به گور خواهند برد: «سُنَّةَ
اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ
تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا».

اسرائیل امروز به پشتوانه‌ی
آمریکای جنایتکار، جرأت پیدا
کرده تا از لانه‌ی خود سر بیرون
آورد و وحشیانه به سرزمین‌های
کوچک و بزرگ دست‌درازی کند.
آن‌ها به زودی خواهند فهمید
که ملت و امت اسلامی، عصای
معجزه‌گری چون موسی (ع)
دارد؛ شمشیر ذوالفقار علی (ع)
دارد؛ چیزی که دشمنان با دل
سیاهش هر چه دست و پا بزنند،
درک نخواهد کرد.

در تاریخ بنویسید از کمان
آرش‌های این بوم، تیرهایی از
جنس اعتقاد به نور خدا پرتاب
شد؛ همان تیرهایی که روزگار
لشکر ابرهه‌های خداناپاور را به
نابودی و ذلت ابدی کشاند. در این
راستا امروز قلم ما دانشجویان
می‌تواند، سلاحی باشد از جنس
مقاومت. قلمی که جوهرش به
عصاره‌ی استقامت متبرک است؛
تا روایت‌های ارزشمند وعده‌ی
صادق حق، را بر دفتر تاریخ حک
و با خون شهیدان عزیزمان مُهر
کند.



وَاللَّهُ
 فَاتَّعَاذُكَ ابْنَانَا وَابْنَاتُنَا
 وَنِسَانًا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ
 نَبْتَلِّغُكُمْ فَنَجْعَلُ الْعَيْنَتَيْنِ لِلَّهِ عَدَا
 لَكُمْ

آل عمران (۶۱)

قرآن کریم

پس هر کس با تو ادب‌راره بندگی و رسالت اعیسی
 مجادله کرد بعد از علمی که از مطلب یافتی، به ایشان
 بگو بیایید؛ ما پسران خود و شما پسران خود را، ما
 زنان خود و شما زنان خود را، ما جان‌های خود و شما
 جان‌های خود را بخوانیم و سپس مباحثه کنیم و دوری
 از رحمت خدا را برای دروغگویمان درخواست کنیم.

اثباتِ حقانیت

زهرا مرادی، کارشناسی علوم قرآن و حدیث

حسین علیهم السلام) هستند، استفاده می‌شود. جارالله زمخشری از دانشمندان بزرگ معتزله، در کتاب «تفسیر کشاف» به فضیلت اصحاب کساء (کسانی که در روز مباحله همراه پیامبر بودند) اشاره کرده است.

فلسفه روز مباحله به شرح زیر است:

اثبات حقانیت اسلام:

پیامبر در این روز، با مسیحیان نجران که در مورد الهی بودن حضرت عیسی، اختلاف نظر داشتند؛ به مباحله پرداخت. مباحله به این معناست که هر دو طرف، در مقابل خداوند به دعا و زاری پرداخته و از او بخواهند که دروغگو را رسوا کند.

تأکید بر جایگاه اهل بیت:

در روز مباحله، پیامبر عزیزانش؛ یعنی امام علی، حضرت فاطمه، امام حسن و امام حسین علیهم السلام، را همراه خود، به مباحله بُرد. این نشان از جایگاه والای این بزرگواران در نزد پیامبر و خداوند دارد.

ترس مسیحیان و مصالحه:

هنگامی که مسیحیان، پیامبر را با اهل بیتشان دیدند، از شدت ترس عذاب الهی، از مباحله خودداری کردند و حاضر به مصالحه شدند و به پرداخت جزیه به حکومت اسلامی رضایت دادند.

نزول آیات الهی:

در این روز، علاوه بر واقعه‌ی مباحله، آیات مهمی از قرآن کریم نازل شد که بر فضایل اهل بیت و حقانیت اسلام تأکید داشت. بنابراین، روز مباحله، یک رویداد مهم در تاریخ اسلام است که به‌عنوان یک سند و دلیل قوی، بر حقانیت دین اسلام و جایگاه اهل بیت علیهم السلام شناخته می‌شود.

مباحله یعنی «لعنت فرستادن و نفرین کردن دروغگو». سنت مباحله از دیرباز در میان برخی جوامع بشری و به‌ویژه اقوام سامی، متداول بوده است. این رویداد از واقعه‌های صدر اسلام است که مربوط به رویداد بیست و چهارم ذی‌الحجه است.

این واقعه در دوره‌ی پیامبر اسلام هنگامی رخ داد که پیامبر و اهل بیتشان در یک سو و مسیحیان نجران در دیگر سو، آماده‌ی مباحله یا نفرین طرف دیگر شدند. پس از اینکه پیامبر در نامه‌ای، مسیحیان نجران را به اسلام دعوت کرده بود. جمعی از مسیحیان نجران نیز به مدینه آمده بودند تا در مورد درستی دعوت پیامبر تحقیق کنند و با ایشان درباره‌ی خدا بودن عیسی، به محاجه (دلیل آوردن) بپردازند.

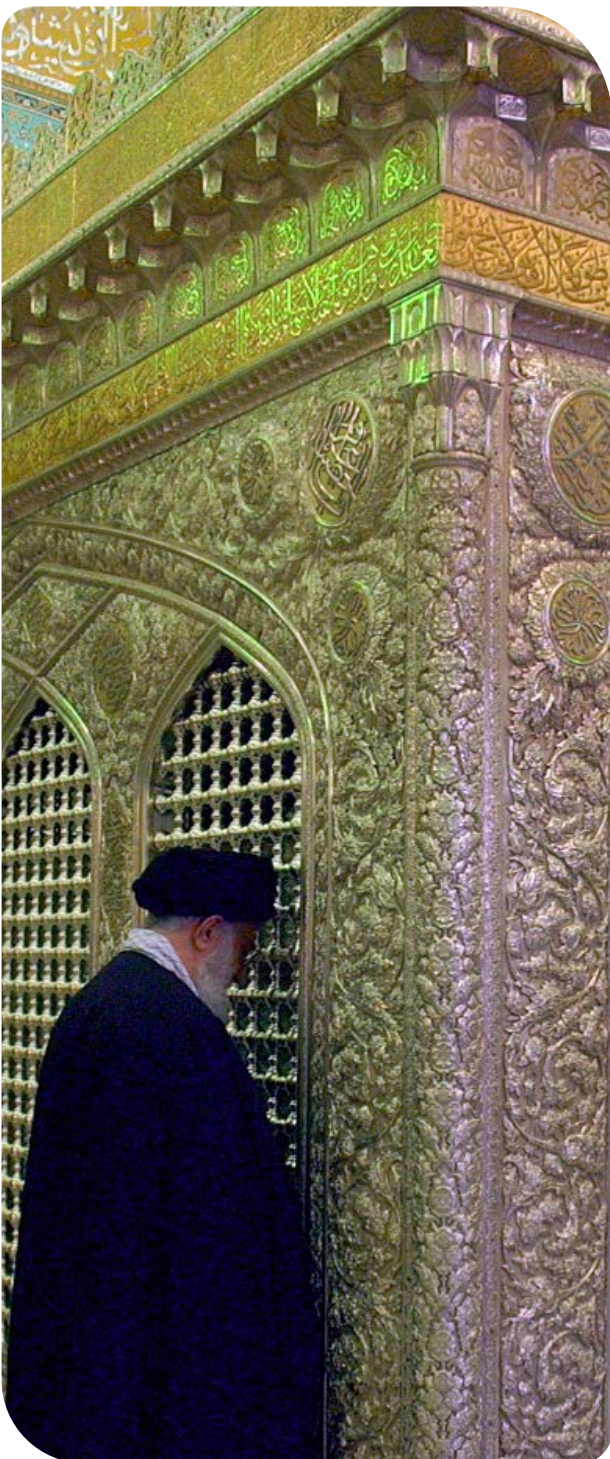
به گفته‌ی منابع اسلامی، دلایل پیامبر برای بشر بودن حضرت عیسی، برای آن‌ها قانع‌کننده بود و دلیل مسیحیان برای وجود نداشتن خدا، برای مسلمانان قانع‌کننده نبود. سرانجام بحث به جایی کشید که پیامبر خواست با مسیحیان به «مباحله» بپردازد.

از ام سلمه نقل کرده‌اند که در همان روز رسول خدا، چهارتن از نزدیکانشان را، در زیر عباي مؤئ و مشکین خود، گردآورد و این آیه را تلاوت نمود: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُم تَطْهِيرًا».

این رویداد از سوی مسلمانان به‌عنوان یکی از برجستگی‌های اهل بیت محسوب شده و به‌عنوان دلیلی برای اثبات این امر که اصحاب کساء؛ (حضرت محمد، امام علی، حضرت فاطمه، امام حسن و امام

دنیای خراسان

شاعر: معصومه محمدپور، کارشناسی علوم قرآن و حدیث



تا خراسان شما حرف ز دنیا دارم
عقد خونین به دل و اشک مهیا دارم

من در این بحر بدان بهر چنین رقصانم
که در این قافله یک سرور و آقا دارم

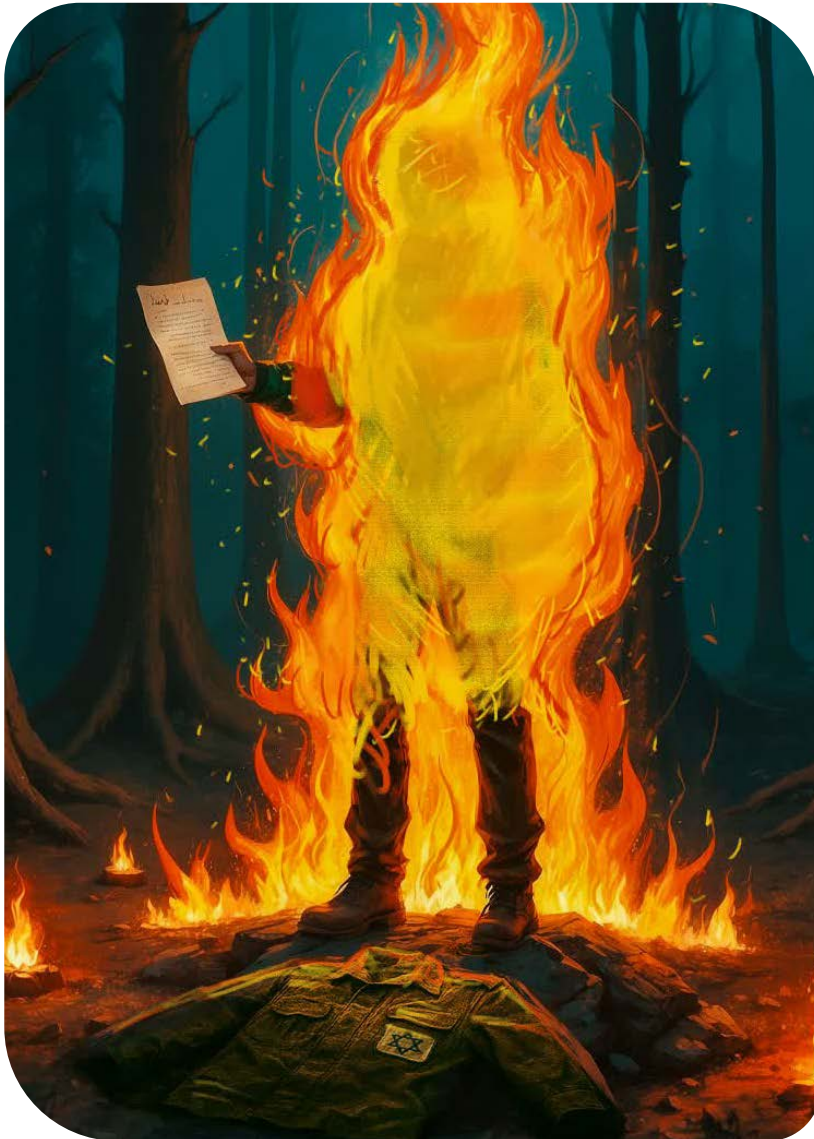
گفته‌ای باز خریداری مرا می‌دانم
روی من گشته سیه، سیل خطاها دارم

سائلم، سائل کویت مددی آقا جان
مُشت من پُر ز خدا، شاهِ رضا را دارم

آن نمک‌خورده و بشکسته نمکدانم من
نانِ این سفره بده باز که غم‌ها دارم

مادرم عشق شما داد به من، آقا جان
پدرم گفت: تو را از سر مولا دارم

هشتمین دربِ بهشت است حریمت، صدحیف
من مُفسر نیَم و ترس ز عقبا دارم



بیگانه

نرگس قربانی، کارشناسی زیست‌شناسی جانوری

مسجد ابوالفضل را به آتش می‌کشید؟ بیچاره‌ها... ما سال‌هاست که در شعله حُبِ عباس می‌سوزیم. باکی نیست! این رسم شما از دیرباز بوده؛ مانند اجدادتان، همان کسانی که در آخرین نبردتان سنگشان را به سینه می‌زده‌اید. آن‌ها با طمع کشتند، جیب‌هایشان را از مالِ دیگران پُر کرده‌اند و با خیال راحت گریختند. شما نیز کشتید و در بی‌وجدانی خود مُرده‌اید. گاله از گاله انباشتید و با وعده‌ی گریختن؛ پشتِ میله‌های اسارتگاه گرفتار شده‌اید.

درست بود که می‌گفتند شما ذره‌ای با اجدادتان مو نمی‌زنید؛ حتی در کشتارهایتان! آن‌ها افسران‌شان را برای گداختن گردنِ اقوام و عشایر بعد از کشتار می‌فرستاده‌اند، حال شما خودتان پیشوای آن شده‌اید! چه وقاحت بی‌مانندی که شما چند پله از آنان در نخوت، پیشی گرفته‌اید. آری! شما گشنه بودید، گشنگانی که کوله‌بار آن بینوایِ دکان‌دار را بر باد داد. حالا چه؟ اکنون خیالتان راحت شد که وطنتان را بی‌هموطن کردید؟ البته، نه فقط آنانی که چراغ عمرشان را خاموش کردید؛ بلکه خودتان را می‌گوییم، که دیگر برای ما «بیگانه» شده‌اید... .



پیامبر مهربانی‌ها

شاعر: علی محمد ابراهیمی شیرازی فرد، دکتری ادبیات فارسی گرایش غنایی

رحمت عالمین و جان جهان محمد
 سنبل بوستان و لطفِ نهان محمد
 شروع دل‌نشان و صبح زمان محمد
 حسرت حورعین و نورعیان محمد
 شاهد اولین و نغمه فشان محمد
 مفرح زمین و سرو چمان محمد
 سید مرسلین و روح و روان محمد
 حامی اهل دین و خط امان محمد
 «مهبط جبرئیل» و قلبِ اذان محمد
 از همه بهترین و در دل و جان محمد
 امیر دستگیر و مدد رسان محمد
 خاتم انبیاء و قبله نشان محمد
 صاحب نور و کوثر، ذکر زبان، محمد
 مزمل ومدثر نزد قرآن محمد

ماه منیر دین و شمس زمان محمد
 چشمه‌ی بی‌کران و نسیم جاودان
 طلوع لامکان و فروغ آسمان و
 وحشت مشرکین و حشمت مومنین
 اشارت نگین و بشارت پسین و
 بلبل در حنین و سوسن و یاسمین و
 ستاره‌ی مبین و سرور مسلمین
 داعی صابئین و هادی سالکین و
 دوست‌تر از خلیل و خاتم بی‌بدیل
 قریشی امین و امی شب‌نشین و
 بشیر بی نظیر و نذیر همچو شیر و
 محرم اولیاء و مرهم اوصیاء و
 واجد علم و منبر، مالک تاج و مغفر
 احمد و نون و یس، عبد خدا و طه

جای قلم شما، در دیدار خالی است...

پذیرای آثار و دست نوشته های گرانقدرتان
هستیم همچنین نظرات، پیشنهادات و
انتقادات شما مایه‌ی مسرت ما و ارتقاء
نشریه خواهد بود. برای ارتباط با ما کافی
ست کد زیر را اسکن کنید.





دیدار



سال سیزدهم ، شماره ۱۸۸ ، بهمن ۱۴۰۴

zil.ink/shohada_shirazu

